رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۱، شماره پیاپی ۷۰، فروردین ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(1), 2022

تحلیل فیلم سینمایی "زیر سقف دودی" بر اساس نظریه‌های خانواده‌درمانی

A psychological analysis of the movie “Under the Smokey Roof” based on family therapy theories

دریا رمضانی (نویسنده مسئول)
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
دکتر مونا چراغی
دکتری روان‌شناسی بالینی - زوج‌درمانگر - مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره سگال، تهران، ایران.

Darya Ramezani*
Master student of Clinical Psychology - Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
d.ramezani@sbu.ac.ir
Dr. Mona Cheraghi
Ph.D in Clinical Psychology - Couple Therapist - Segal Psychological and Counseling Services Center, Tehran, Iran.

چکیده

فیلم‌ها از جمله منابع آموزشی موثر برای دانشجویان به خصوص محصلان علم روان‌شناسی به شمار می‌روند. هدف از انجام این مطالعه، تحلیل فیلم «زیر سقف دودی» به کارگردانی پوران درخشنده، براساس نظریه‌های خانواده‌درمانی است. این فیلم روایتگر داستان خانواده‌ای است که با مسائل زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، داستان فیلم و دیالوگ‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. در این مطالعه، مسائل و مشکلات خانواده‌ی حاضر در فیلم بر اساس چهار نظریه‌ی خانواده‌درمانی بوئن، نظریه‌ی ساختاری مینوچین، نظریه‌ی راهبردی و نظریه‌ی شناختی-رفتاری مورد بررسی قرار گرفتند. در انتها، درمان پیشنهادی هر رویکرد به منظور مرتفع ساختن مشکلات این خانواده نیز ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل فیلم، خانواده‌درمانی، نظریه‌های روان‌شناسی، فیلم سینمایی، زیر سقف دودی

Abstract

Movies are considered an effective educational resource for students, especially those who study Psychology. The purpose of this study is to analyze the movie "Under the Smokey Roof" directed by Pouran Derakhshandeh, based on the family therapy theories. This movie shows the story of a family struggling with different social and psychological issues. In this article, a descriptive-analytical method has been applied. in order to gather the required information for the study, the plot and dialogues have been examined in detail. In this study, the problems of the mentioned family were investigated based on four family therapy theories, named Bowen Family Systems Theory, Structural Family Therapy, Cognitive-Behavioral Family Therapy, and Strategic Family Therapy. Finally, the treatment proposed by each approach is also presented in an attempt to tackle the problems of this family.

Keywords: film analysis, family therapy, psychological theories, movie, under the smokey roof

نوع مقاله : تحلیلی | **دریافت :** مرداد ۱۴۰۰ | **پذیرش:** دی ۱۴۰۰ | **ویرایش نهایی:** فروردین ۱۴۰۱

مقدمه

امروزه استفاده از رسانه به منظور آموزش‌های علمی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این بین، سینما که هنر هفتم به شمار می‌رود از تمام شش هنر قبل از خود کامل‌تر است (راودراد، ۱۳۷۹). هم‌چنین نقد فیلم و نقد ادبی حوزه‌های پرطرفداری هستند، چرا که مخاطبان به منظور درک بهتر یک فیلم مشتاق مطالعه‌ی بررسی‌های عمیق‌تر و دقیق‌تر هستند. این اهمیت برای افرادی که به دنبال نقدهای علمی بر مبنای نظریه‌های علمی هستند دو چندان است. بنابراین لازم است از جانب صاحب‌نظران علومی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی توجه ویژه‌ای به این امر صورت گیرد چرا که به نظر می‌رسد در تحلیل فیلم‌ها و سریال‌ها بسیار کاربردی است. تاکنون مسائل اجتماعی در چندین فیلم سینمایی ایرانی به صورت علمی بررسی شده‌اند. سینا و افشار (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی فیلم سینمایی «لاکپشت‌ها هم پرواز می‌کنند» از منظر نظریه‌ی فشار ساختاری نین اسملسر پرداختند و حوادث این فیلم را با شش مرحله‌ی مربوط به

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

پیدایش جنبش‌های اجتماعی تطبیق دادند. هم‌چنین فیلمنامه‌ی «آژانس شیشه‌ای»، نوشته‌ی ابراهیم حاتمی‌کیا نیز از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی و با استفاده از قطب‌بندی «خود» و «دیگری» بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک مورد تحلیل گرفته است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). علاوه بر پرداختن به تئوری‌های علوم اجتماعی، پژوهش‌هایی نیز به تحلیل فیلم‌های ایرانی با استفاده از نظریه‌های موجود در علم روان‌شناسی پرداخته‌اند. شاهرودی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به تحلیل فیلم «دعوت»، به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، از دیدگاه نظریه‌ی جین شینودا بولن که یک روانکاو پیرو مکتب یونگ است، پرداخته است. او شخصیت‌های زن این فیلم و رفتارشان را که با مسئله‌ی بارداری و درگیری به منظور سقط کردن یا نکردن جنین مواجه شده‌اند، بر اساس کهن الگوهای زنانه تفسیر کرده است. هم‌چنین پژوهش دیگری فیلم «رگ خواب»، ساخته‌ی حمید نعمت‌الله، شخصیت اصلی زن را از منظر روان‌شناسی مورد مطالعه قرار داده است (شاهرودی، ۱۳۹۸). پژوهش مذکور، طی بررسی این فیلم با استفاده از دیدگاه طرحواره‌ی یانگ بیان کرد که یکی از علل اصلی مسائل و مشکلات زندگی شخصیت اصلی زن این فیلم، طرحواره‌های رهاشدگی و وابستگی اوست. با این حال در مطالعات فیلم در ایران، مقالاتی در زمینه‌ی بررسی فیلم‌های سینمایی بر اساس نظریه‌های خانواده‌درمانی یافت نشد. از آنجا که در فیلم‌های ایرانی مسائل و مشکلات درون خانواده‌ای نیز در کنار مسائل اجتماعی بسیار به تصویر کشیده می‌شود، لازم است تا فیلم‌های سینمایی بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی خانواده نیز بررسی شوند چرا که این امر می‌تواند لایه‌های پنهان فیلم را آشکار کرده و به خصوص برای دانشجویان روان‌شناسی بسیار آموزنده باشد.

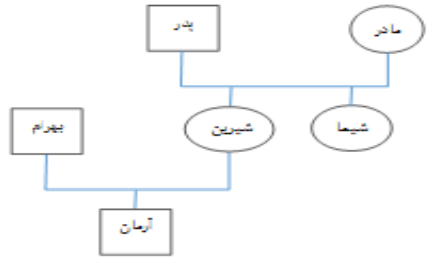
نظریه‌های زیادی در زمینه‌ی خانواده‌درمانی مطرح شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریه‌ی بوئن[1] (۱۹۷۶)، نظریه‌ی ساختاری مینوچین[2] (۱۹۷۴)، نظریه راهبردی و نظریه‌ی شناختی- رفتاری اشاره کرد. هر کدام از این نظریه‌ها، مشکلات خانواده را بر اساس مفاهیم خاصی تبیین می‌کنند. نظریه خانواده‌درمانی بوئن به خانواده به‌سان نظامی متشکل از ارتباطات هیجانی نظر می‌کند. از دیدگاه بوئن هریک از همسران شیوه‌هایی را در خانواده مبدأ آموخته و آن را در دیگر روابط تکرار نموده و الگویی همسان را به فرزندان خود انتقال می‌دهند، پس چاره‌گری مشکل کنونی با دگرگون ساختن رابطه فرد با خانواده مبدا امکان‌پذیر است (نبوی حصار و همکاران ۱۳۹۶ به نقل از گلدنبرگ و گلدنبرگ[3]، ۲۰۱۳). از منظر سالوادور منوچین، خانواده دارای ساختاری است که شامل افراد، نظام‌های فرعی و مرزهای متمایزکننده‌ی آن‌هاست. در خانواده‌هایی که میان اعضا مرز واضح وجود دارد، افراد تعامل سالم‌تری با یکدیگر دارند و به عنوان مثال محدوده‌ی مشخصی برای نظام فرعی همسری تعریف شده است که هرچند کودکان می‌توانند با والدینشان رابطه داشته باشند اما مرز مشخص اجازه‌ی ورود آن‌ها را به خرده نظام همسری که شامل زن و شوهر است نمی‌دهد. به اعتقاد نظریه خانواده‌درمانی راهبردی، خانواده زمانی از سلامت کافی برخوردار است که از توانایی حل مسئله، انعطاف‌پذیری و عبور طبیعی از مشکلات برخوردار باشد. این نظریه به جای تمرکز بر علل زیربنایی که قابل تغییر نیستند، به دنبال یافتن تعاملاتی است که مشکلات خانواده را تداوم می‌بخشند (نیکولز و شوارتز[4]، ۱۳۹۵). مولفه‌های رویکرد شناختی-رفتاری ترکیبی از رفتارگرایی و رویکرد شناختی است. مولفه‌ی اصلی رفتاردرمانی به تداوم رفتار از طریق پیامدهای آن اشاره دارد، و جوهره‌ی اصلی رویکرد شناختی این است که تفسیر ما از دیگران بر روش پاسخ ما به آنان تاثیر می‌گذارد (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۵).

در این پژوهش با استناد به هر چهار نظریه، به تحلیل فیلم «زیر سقف دودی» می‌پردازیم. این فیلم سینمایی که در سال ۱۳۹۵ به کارگردانی پوران درخشنده ساخته شده روایتگر زنی است که در زندگی خود با فرزند و همسرش به مرور دچار مشکل شده است و در جستجوی راهی برای ایجاد ارتباط دوباره با خانواده‌اش تقلا می‌کند. سه شخصیت اصلی در این فیلم اعضای یک خانواده را تشکیل می‌دهند (شکل ۱).

شکل(۱)-نمودار نسلی خانواده‌ی حاضر در فیلم زیر سقف دودی

1 Bowen
2 Minuchin
3 Goldenberg and Goldenberg
4 Nichols and Schwartz

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]



شیرین و بهرام ۲۶ سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد و دارای پسر جوانی به نام آرمان هستند. (به سن بهرام و شیرین، و خانواده‌ی پدری بهرام در فیلم اشاره‌ای نشده است). شیرین در سال آخر کارشناسی ادبیات به خاطر به دنیا آوردن فرزند از دانشگاه انصراف داده و حال خانه‌دار است. بهرام صاحب و مدیر یک کارخانه است. آرمان در حال تحصیل در مقطع کارشناسی است. او شاغل نیست و شش سال است در حال طولانی کردن دوره‌ی تحصیلش است تا زمانی که مدرک پایان خدمت را بفروشند.

خانواده‌ی شیرین و بهرام که ممکن است از بیرون معقول و خوشبخت به نظر برسد، سرشار از مسائل و مشکلات عمیقی است که بین اعضای آن ریشه دوانده است. شیرین مدام احساس می‌کند توسط همسر و پسرش نادیده گرفته می‌شود. او از قرص اعصاب و قرص کاهش اشتها (برای کم کردن وزن) استفاده می‌کند. بهرام نیز که در آستانه‌ی ورشکستگی است فشار عصبی زیادی متحمل می‌شود. هم‌چنین او سال‌هاست که با زنی به صورت پنهانی در ارتباط است. در قسمت‌های مختلفی از فیلم مشاهده می‌کنیم که بهرام به شیرین و آرمان بی‌توجهی می‌کند، چرا که نزد خود فکر می‌کند همسر و فرزندش به جز در مورد پول نیاز دیگری به او ندارند. در این بین متوجه می‌شویم که مدتی است بهرام اتاق خوابش را از شیرین جدا کرده است.

پسر خانواده، آرمان، نیز در مرداب مشکلات این خانواده در حال دست‌وپازدن است. او هیچ مکالمه‌ی عادی‌ای با پدرش ندارد و تمام ارتباط آن‌ها به پول توجیبی گرفتن و بحث و جدل راجع به مدرک دانشگاهی و سربازی رفتن خلاصه می‌شود. او با مادرش، شیرین، بسیار در تعارض است تا حدی که سر شیرین داد می‌زند، به او توهین و او را تحقیر می‌کند و با این کار زخم‌های بیشتری به روان شیرین وارد می‌کند. آرمان مدتی است که با دختری به نام کیانا در ارتباط است و قصد ازدواج با او را دارد. ارتباط این دو نیز خالی از تعارض نیست، آن‌ها جدل‌های زیادی باهم دارند. در واقع از کلیت فیلم این‌طور برداشت می‌شود که آرمان به طور کلی پرخاشگری دارد. روان‌شناسی خانواده به دنبال بررسی چنین مسائلی و ارائه‌ی راهکار و درمان برای آن است. لذا به نظر رسید که تحلیل فیلم «زیر سقف دودی» با استفاده از نظریه‌های خانواده‌درمانی می‌تواند یک مثال آموزشی مفید برای دانشجویان روان‌شناسی بالینی فراهم آورد. در این مطالعه، به بررسی روابط و مشکلات اعضای آن با استفاده از مفاهیم چهار نظریه‌ی مهم در خانواده‌درمانی می پردازیم و در نهایت به درمان پیشنهادی این چهار نظریه نیز اشاره‌ای خواهیم داشت.

روش

روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در این مطالعه پس از مشاهده‌ی فیلم، از طریق تحلیل اتفاقات، دیالوگ‌ها و رفتار شخصیت‌ها (شیرین، بهرام و آرمان) بر مبنای نظریه‌های خانواده‌درمانی، تفسیرهایی ارائه شده است.

یافته ها

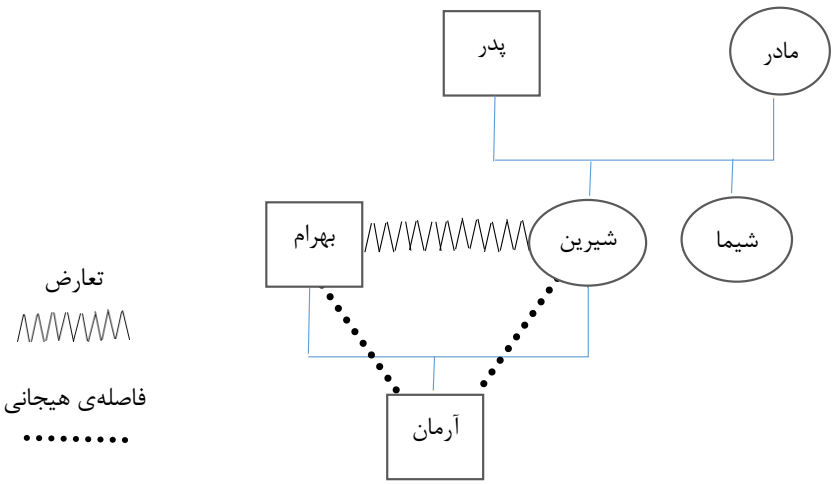
در این بخش به فرمول‌بندی فیلم زیر سقف دودی بر اساس مولفه‌های هر نظریه به صورت مجزا می‌پردازیم.

نظریه‌ی بوئن

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

تمایز خویشتن ظرفیت تفکر و انعکاس است که به طور خودکار به فشارهای هیجانی درونی یا بیرونی پاسخ ندهیم (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۵، به نقل از کر و بوئن[1]، ۱۹۸۸). افراد تمایزیافته توانایی تفکر نسبت به اتفاق‌های مختلف را دارا هستند، آن‌ها از نظر هیجانی به کس دیگری وابستگی ندارند و کمتر جنجال به پا می‌کنند. اما افرادی که تمایز هیجانی نیافته‌اند، از قابلیت کمتری برای پاسخ هیجانی مناسب در شرایط پرفشار برخوردارند. شیرین با تولد فرزندش درسش را رها می‌کند زیرا معتقد است زن بعد از مادر شدن باید تمام آرزوهای خود را رها و فقط به فرزندش رسیدگی کند. پس او تمام زمان خود را به آرمان اختصاص می‌دهد. از آنجا که آرمان از کودکی تا چند سال اخیر به شدت به مادرش نزدیک بوده است، بنابراین احتمال اینکه نتوانسته باشد خود را متمایز کند وجود دارد. پس به نظر می‌رسد شیرین و آرمان تا چند سال قبل هم‌جوشی هیجانی داشته‌اند اما اکنون تبدیل به فاصله‌ی هیجانی شده است. شکل (۲) پویایی‌های روابط در این خانواده را به تصویر کشیده است.

فقدان تمایز آرمان از خانواده‌اش، موجب بروز فاصله‌ی هیجانی او از والدین شده است. تمایز هیجانی را می‌توان در قالب استعاره‌ی سیاه و سفید دانستن افراد نیز نمایش داد. فرد تمایزنیافته دیگران را تا زمانی که رفتارهایشان بر وفق مرادش است سفید می‌بیند اما زمانی که شخصی اشتباهی مرتکب شود از ان به بعد او را سیاه می‌پندارند. در صورتی که افراد تمایزیافته انسان‌ها را در محدوده‌ی طیف خاکستری می‌پندارند، نه کاملا سفید یا سیاه. آرمان در حال حاضر مادرش را کاملا سیاه می‌بیند و این فاصله باعث شده است که از خانواده دوری بجوید. گویا او اضطرابش را با دوری و کناره‌گیری کنترل می‌کند. آرمان اکثر ساعات روز خود را بیرون از خانه می‌گذراند و می‌توان گفت تقریبا فقط برای خواب و استراحت به خانه می‌آید و هم‌چنین در سال فقط یک یا دو بار آن هم در مراسم‌هایی که مجبور است مانند نوروز یا وفات، همراه با خانواده است. این فاصله‌گیری هیجانی از خانواده به تدریج زمینه‌ساز بروز هم‌جوشی هیجانی بین آرمان و کیانا شده است. زمانی که کیانا حرفی خلاف عقیده‌ی آرمان می‌زند و رفتار او را زیر سوال می‌برد، آرمان بسیار آشفته شده و با او دعوا می‌کند و چه بسا اگر این مشکلات زیاد شود و آرمان متوجه شود که کیانا نیز مانند بقیه‌ی انسان‌هاست و کاملا سفید نیست که کامل و بی‌نقص باشد، احتمالا باز از کیانا نیز-مانند مادرش- فاصله بگیرد.



شکل(۲) – نمودار نسلی حاوی پویایی‌های روابط

در قسمتی از فیلم که آرمان برای پدر و مادرش وقت مشاوره گرفته است، شاهد مکالمه‌ی زیر هستیم:
بهرام: *"تو کار من و مادرت دخالت نکن. من تا حالا از تو پرسیدم با کی می‌گردی چرا می‌گردی کجا میری کی میای؟"*
آرمان: *"کاش یه بار می‌پرسیدی..."*

1 Kerr and Bowen

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

بهرام: *"از نظر شما جوونای امروزی تا زمانی که راه به راه به کارتتون پول واریز میشه یعنی که پشتیبان دارین، خب منم دارم همین کارو می‌کنم."*

هم چنین در جایی دیگر از فیلم داریم:

بهرام: *"تکلیف مدرک دانشگاهو سربازیت چی شد؟"*

آرمان(با بغض از پدرش گلایه می‌کند که): *"شد یک بار، فقط یک بار، بعد از سلام کردن حال منو بپرسی؟"* گویی در تمام سال‌هایی که شیرین میان او و پدرش فاصله می‌انداخته، او نیز مانند پدرش خواهان و مشتاق ارتباط عاطفی با دیگری بوده است اما رفته رفته این فاصله تبدیل به یک دیوار بین آن‌ها شده که گویی حتی در شکل دادن به یک مکالمه‌ی عادی ناتوان‌اند. آرمان همچنان این خلاء ارتباط با پدرش را احساس می‌کند. او از یک طرف از توجه زیاد شیرین به خودش به تنگ آمده و از طرف دیگر دلش برای یک توجه محبت‌آمیز پدرش پر می‌کشد.

مثلث‌های هیجانی مفهوم دیگری از نظریه‌ی بوئن را مطرح می‌کنند. بوئن معتقد است مثلث‌ها در روابط زمانی ایجاد می‌شوند که شخص سومی وارد رابطه شده و درگیر تعاملات میان دو نفر شود (بوئن، ۱۹۷۶). به عنوان مثال، فردی را در نظر بگیرید که همواره از همسرش به فرزندشان شکایت می‌کند و گویا آن فرزند ناخواسته-یا خواسته- وارد رابطه‌ی پدر و مادرش می‌شود. پس رابطه‌ای که تا قبل از این از دو راس تشکیل شده بود، حال متحمل یک راس سوم خواهد شد. این مثلث‌ها اگر ادامه‌دار شوند رابطه‌ی اصلی رو به افول خواهد رفت. در این فیلم به نظر می‌رسد که شیرین از زمان کودکی آرمان با او مثلث‌سازی داشته است. هم‌چنین، بهرام که از زمان تولد آرمان، گمان می‌کند توسط شیرین طرد شده است، از چند سال قبل به سمت تشکیل مثلث با زنی دیگر به نام رعنا رفته و مدتی است با رعنا به صورت پنهانی رابطه دارد. رعنا مایل به بچه‌دار شدن است اما بهرام هیچ تمایلی نشان نمی‌دهد. با این حال بهرام هرشب بعد از دیدار با او به خانه ی اصلی‌اش که محل زندگی شیرین و آرمان است برمی‌گردد که احتمالا نشان از حفظ ظاهر خانواده دارد.

در ارتباط با فرایند انتقال چند نسلی، بوئن معتقد است که میزان تمایزیافتگی هیجانی افراد می‌تواند در یک نسل منتقل شود (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۵). به عنوان مثال شخصی را در نظر بگیرید که تمایز کمتری نسبت به والدین خود و در نتیجه میزان اضطراب درونی بالایی تجربه می‌کند، زمانی که ازدواج می‌کند احتمال زیادی دارد که این اضطراب را به چرخه‌ی خانواده‌ی جدیدش نیز تزریق کند. در این صورت فرزندان او نیز که این تشویش را تغذیه می‌کنند کمتر قادر خواهند بود به صورت بالغ رشد کند و احتمالا او نیز مانند والدش به فردی تمایزنیافته بدل خواهد شد. در این فیلم مشاهده می‌شود که رفتار آرمان با کیانا به نوعی شبیه به رفتار پدرش (بهرام) با مادرش (شیرین) است. آرمان دچار زودخشمی و بددهنی است تا جایی که در میانه‌ی یک بحث دو نفره، حتی به کیانا سیلی می‌زند.

در رابطه با خانواده‌ی پدری شیرین لازم به ذکر است که با توجه به دقایقی از فیلم که به آنها اختصاص یافته است، مشاهده می‌شود که رابطه‌ی پدر و مادر شیرین با یکدیگر و نیز رابطه شیرین با پدر، مادر و خواهرش سالم است. صحنه‌هایی که گویای این ارتباط سالم است در زیر به اختصار بیان شده است:

شیرین به آن‌ها سر می‌زند/ او موهای مادرش را رنگ می‌کند/ او با خواهرش از طریق تماس تصویری و تلفن در ارتباط است/ در قسمتی از فیلم پدر شیرین به او مبلغی می‌دهد و می‌گوید به مناسبت روز زن برای مادرت هدیه‌ای بخر/ هم‌چنین پدر و مادرش مدت‌هاست متوجه غمِ شیرین و ناخوشی‌اش شده‌اند و نگران او هستند. به عنوان مثال، در قسمتی از فیلم وقتی شیرین برای پدرش چای می‌ریزد، پدرش با همدلی به او می‌گوید " کاش فرصتی پیش میومد که می‌تونستیم با هم درد و دل کنیم ببینیم دنیا دست کیه". و این‌چنین شیرین را دعوت به صحبت می‌کند اما شیرین همچنان حرفی از بهرام و آرمان به میان نمی‌آورد.

مشکلات بهرام و شیرین از زمان تولد آرمان آغاز شده است. کارتر و مک گلدریک[1] (۱۹۸۸) معتقدند زمانی که یک زوج صاحب فرزند می‌شوند، زن و شوهر باید احتیاط کنند تا ازدواجشان در دریای پرورش فرزند غرق نشود و در واقع باید قادر باشند به عنوان یک تیم دو نفره با هم همکاری کنند. اما دیالوگ‌هایی از فیلم به صورت مستقیم حاکی از آن است که شیرین و بهرام نتوانسته‌اند به خوبی از این مرحله عبور کنند. در صحنه‌ای شیرین به یک مشاور مراجعه کرده است و در مورد زمان بارداری‌اش می‌گوید *"ویار عجیبی داشتم، از بوی بهرام حالم بد می‌شد"* و یا در مورد زمان کودکی آرمان می‌گوید *"وقتی آرمان را در آغوش می‌گرفتم احساس می‌کردم بهرام حسودی‌اش می‌شود"*. هم‌چنین بهرام به مشاور می‌گوید *"شیرین قبلا من رو پس زده"* که نشان از بی‌توجهی طولانی مدت شیرین به بهرام به خاطر

1 Carter and McGoldrick

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

نزدیکی زیاد (هم‌جوشی) با آرمان دارد. در پایان فیلم شاهد برش هیجانی شیرین از بهرام هستیم؛ او بعد از یک مشاجره‌ی سخت با بهرام، بعد از مدت‌ها جنگیدن به منظور زنده کردن روابطی که خاکستر شده خانه را ترک می‌کند. شیرین به خانه‌ی پدری‌اش برمی‌گردد، که این خود نشان از امن دانستن آنجا و نیز اعتماد و رابطه‌ی خوب با پدر و مادرش دارد.

نظریه‌ی مینوچین (خانواده‌درمانی ساختاری)

شیرین و بهرام بسیار از یکدیگر دور شده‌اند. تمامیت شیرین گویا در وهله‌ی اول در رابطه با فرزندشان و سپس در قالب کارهای مربوط به خانه و آشپزی خلاصه شده است. شیرین تا قبل از بزرگ شدن آرمان مشکلی احساس نمی‌کرده است. به این خاطر که هرچند بهرام از او فاصله گرفته بوده اما شیرین از جانب رابطه و توجهی که آرمان به او می‌کرده تغذیه می‌شده و حالا که چندین سال است آرمان نیز از او فاصله گرفته است (زیرا به سن جوانی و طلب استقلال رسیده است و دیگر به سان کودکی، نیازی به مراقبت‌های مداوم مادرش احساس نمی‌کند.) شیرین احساس تنهایی و بی‌کسی و بی‌توجهی می‌کند، یعنی همان احساسی که شاید بهرام سال‌هاست دارد. در واقع شیرین در حال حاضر گرفتار بی‌توجهی‌ای است که در سال‌های کودکی آرمان، نثار بهرام می‌کرده است. او حالا هر زمان وارد مکالمه با بهرام می‌شود، بهرام حرف‌هایش را به عنوان متلک برداشت می‌کند. اکثر مکالمات آن‌ها به دعوا و پرخاشگری از سوی بهرام و افسرده‌تر شدن شیرین می‌انجامد.

بهرام گویا خودش را به عنوان یک فرد بیگانه در این خانه احساس می‌کند. در قسمت پایانی فیلم وقتی دعوای آن دو بسیار بالا می‌گیرد، بهرام می‌گوید *"من آشغالامو جمع می‌کنم و از این خونه میرم. خدا رو شکر سبک‌بار هم هستم"* این حرف شاید اشاره به احساس عدم تعلقی دارد که سال‌هاست گریبان‌گیر بهرام است. عدم تعلقی که به خاطر بیگانه انگاشته شدن در این خانواده احساس می‌کند. آرمان از کودکی نسبت به فاصله‌ی عاطفی میان پدر و مادرش آگاه بوده و تمام این مدت از این بابت رنج کشیده است. چند سال است که رابطه‌اش با مادرش متزلزل شده است، تا جایی که اکثر لحظاتی که مادرش به خاطر نگرانی پیگیر او می‌شود را به عنوان *"گیر دادن"* تلقی می‌کند و به همین دلیل تلفن‌های مادرش را پاسخ نمی‌دهد. آرمان شاید احساسی شبیه گیرافتادن در میانه‌ی یک میدان نبرد را داشته باشد. هم‌چنین در این فیلم تا چندین سال قبل، گروهبندی‌ای به صورت مادر-فرزند شکل گرفته بوده است که مینوچین آن را یک ائتلاف بین نسلی می‌نامد (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۵). در شکل ۳، سلسله مراتب در این خانواده نشان داده شده است.



شکل(۳)- سلسله مراتب خانواده‌ی شیرین و بهرام

در حال حاضر، با توجه به ارتباطات این خانواده به نظر می‌رسد که پدر (بهرام) در راس و مادر (شیرین) و فرزند (آرمان) در یک مرتبه و در طبقه‌ی دوم سلسله مراتب قرار گرفته‌اند. در این فیلم، شیرین و آرمان روی حرف بهرام حرفی نمی‌زنند. آرمان در مقابل پدرش تقریبا سرش را پایین می‌اندازد، با او بحث نمی‌کند و صدایش را در مقابل او بالا نمی‌برد. در جایی از فیلم میان بهرام و آرمان شاهد مکالمه‌ی زیر هستیم:

بهرام: *"من اول صبح باید برم دنبال بدبختی و کار کارخونه و هزارتا کوفت و زهرمار دیگه، شما کجا؟"*

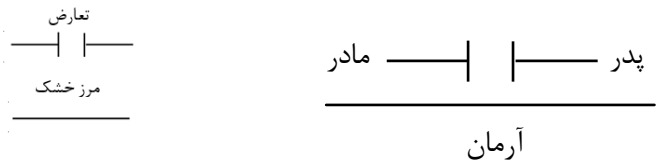
آرمان: *"منم یه کار مهم داشتم"*

بهرام: *"اونوقت اون کار مهمت چیه؟"*

آرمان سرش را پایین می‌اندازد و هیچ نمی‌گوید، احتمالا شرمنده است. این یک مصداق خوب برای نشان دادن بالاتر بودن جایگاه بهرام در سلسله مراتب است. در صورتی که اگر همین سوال را شیرین از آرمان بپرسد، آرمان یا دلیلی نمی‌بیند که جوابش را بدهد و یا با فریاد و بی‌احترامی پاسخ می‌دهد. و این نیز نشان‌دهنده‌ی پذیرفته نشدن مرتبه‌ی بالاتر جایگاه شیرین در سلسله مراتب است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

تا چندین سال قبل، میان آرمان و مادرش مرز مبهمی وجود داشته که باعث درهم‌تنیدگی روابطشان شده است. با این حال، به تازگی مرز خشکی نیز میان آن دو ایجاد شده است. به همین موازات، میان آرمان و پدرش مرزی خشک وجود داشته و دارد که باعث فاصله گرفتن آن‌ها از همدیگر شده است. میان شیرین و بهرام نیز به علت تعارض و عدم حل آن، فاصله ی زیادی ایجاد شده است.



شکل(۴)- شماتیک مرزهای میان افراد این خانواده

نظریه‌ی راهبردی

در این رویکرد به ارتباطات این خانواده‌ی سه نفره پرداخته می‌شود. همه‌ی پیام‌ها دارای کارکرد گزارش و فرمان است و پیام‌های فرمانی زمانی که تکرار می‌شوند به عنوان قواعد الگوبرداری می‌شوند که این قواعد تعامل در جهت حفظ تعادل حیاتی خانواده عمل می‌کنند (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۵ به نقل از روئش و بیتسون[1]، ۱۹۵۱). این رویکرد حتی پاسخ ندادن و عدم ارتباط کلامی را به منزله‌ی برقرار نکردن ارتباط نمی‌داند. بلکه زبان بدن و رفتار را نیز از جمله انواع برقراری ارتباط ذکر می‌کند. به عنوان مثال در این فیلم، آرمان به طور کلی رفتارهایی مبنی بر دور شدن از مادرش انجام می‌دهد. زمانی که مادرش در حال حرف زدن با اوست رویش را برمی‌گرداند، دستش را روی گوش‌هایش می‌گذارد که معنایی مبنی بر "*حوصله ات را ندارم*" از آن دریافت می‌شود. مثال بارز دیگر در رابطه با پاسخ تلفن ندادن آرمان است که وقتی اسم مادرش را روی صفحه‌ی گوشی‌اش می‌بیند آن را جواب نمی‌دهد. علاوه بر این‌ها، آرمان رفتارهای انحرافی دیگری نیز دارد مانند پرخاشگری.

شیرین، رفتار بهرام را به منزله‌ی یک انحراف تلقی می‌کند. آرمان در خلال یکی از بگومگوهایشان به مادرش می‌گوید به خودت برس و او را به خاطر خوردن قرص‌ها مسخره می‌کند. هم‌چنین به خاطر دوری گزیدن بهرام از خانه، شیرین را مقصر می‌داند. شیرین با شنیدن حرف‌های آرمان فکر می‌کند مشکل از ظاهرش است که بهرام به او بی‌توجه است. برای حل این مشکل، موهایش را رنگ می‌کند و برای کم کردن وزن به باشگاه می‌رود. او حتی تصمیم می‌گیرد برای برداشتن چربی‌های بدنش زیر تیغ جراحی برود. او سعی بر خلق لحظات دو نفری دارد و سعی می‌کند مهربان و طناز باشد به صورتی که حتی با بهرام شوخی‌های کلامی نیز می‌کند. شیرین از ظن خود در حال حل مسئله است و می‌خواهد این انحراف را متوقف کند (بازخورد منفی) اما عکس‌العمل مطلوبی از جانب بهرام دریافت نمی‌کند و حتی انحراف تشدید می‌شود (بازخورد مثبت). بهرام حتی متوجه رنگ شدن موهای شیرین هم نمی‌شود. همین مسئله باعث می‌شود شیرین بیش از پیش احساس بی‌اهمیتی و درماندگی کند.

در ارتباط با سلسله مراتب خانوادگی، جی هی‌لی[2] معتقد است یک فرد به نسبتی مستقیم با تعداد سلسله‌مراتب نارساتری که در آن‌ها گرفتار است، آشفته‌تر می‌شود (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۵ به نقل از هی‌لی، ۱۹۷۶). گویا شیرین در این آشفتگی سلسله مراتبی گیر افتاده است. آرمان نقش شیرین را بالاتر از خودش- یعنی به صورت کنترل‌گر و مراقبت‌کننده- نمی‌پذیرد. در جایی از فیلم، مکالمه‌ی زیر اتفاق می‌افتد:

آرمان: *"تو راحت بابا رو ولش کردی بره ددر که بچسبی به من بدبخت"*

شیرین: *"چطور غذاتو می‌پزم، لباستو می‌شورم، اتاقتو مرتب می‌کنم وظیفه‌ی مادریمه، بزرگت کردم وظیفه‌ی مادریمه.. حالا یه زنگ بزنم من میشم مزاحم تو میشی بدبخت؟"*

آرمان: *"من بچه نیستم بزرگ شدم. بیا ببین هشت بار بهم زنگ زدی نه یه بار. حرف من اینه. زمانی که باید تلفنت خاموش باشه و پیش شوهرت باشی مدام داری به من زنگ می‌زنی."*

1 Ruesch and Bateson
2 Jay Hayley

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

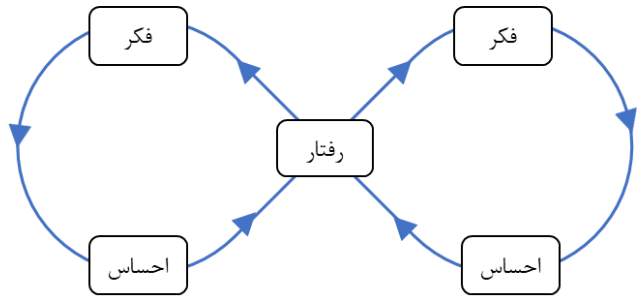
شیرین به آرمان سیلی می‌زند: *"درست صحبت کن. اگه صد سالت بشه آرمان، اگه ده تا بچه دورتو بگیره، تو بچه‌ای و من مادرم"*. در واقع شیرین می‌خواهد به آرمان یادآوری کند که در این سلسله مراتب بالاتر از او جای می‌گیرد.

شیرین در ادامه می‌گوید: *"پیش کدوم شوهر؟ پدر تو اصن منو نمی‌بینه. بعد از بیست سال موهامو رنگ کردم هزارتا قر و قمبل براش اومدم، ندید... کاش می‌دید می گفت زشت شدی بد شدی... نه انقدر بی‌تفاوت. نگاه کن منو! تو هم منو ندیدی عین بابات."* بی‌توجهی بهرام به شیرین بیانگر نوعی از ارتباط مخدوش میان آن دو است. آرمان از رفتارهای پدرش شاکی است اما با این حال در رفتارهایش ناخواسته در حال کپی‌برداری از رفتارهای بهرام است که بر نوع ارتباط با مادرش و حتی کیانا نیز تاثیر می‌گذارد.

با این حال در اواسط فیلم شاهد حرکت مثبتی از شیرین هستیم. شیرین این بار منطقش را به کار می‌گیرد تا بتواند مسیر را برای ایجاد ارتباط سازنده با پسرش هموار کند. او برای صحبت با آرمان قدمی جلو می‌گذارد. ابتدا از درِ معذرت‌خواهی وارد می‌شود و به خاطر رفتارش عذرخواهی می‌کند. اما آرمان باز هم بد جوابش را می‌دهد. شیرین این پاسخ را باز هم تحمل، و از توهین‌های آرمان گذر می‌کند و می‌گوید: *"آرمان ما چرا نمی‌تونیم با هم حرف بزنیم؟ تو الان از یه چیزی ناراحتی، این ناراحتی هم ربطی به رفتار من نداره. به من بگو چی شده."* سپس آرمان شروع می‌کند به صحبت درباره‌ی ناراحتی‌اش که مربوط به کیانا است. از این قسمت به بعد درخت خزان دیده‌ی ارتباط میان شیرین و آرمان، دوباره شروع به جوانه زدن می‌کند. بعد از این، آرمان وقتی می‌خواهد جایی برود برای مادرش یادداشت می‌گذارد و اطلاع می‌دهد و نیز در پایان فیلم وقتی شیرین در حال ترک خانه است جلویش را می‌گیرد و می‌خواهد مانع او شود. بعد برای شیرین پیامی مبنی بر این که کجا رفته‌ای من نگرانت شده‌ام می‌فرستد.

نظریه خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری

مثال‌های زیادی از چرخه‌های ارتباطی معیوب میان شیرین و بهرام، شیرین و آرمان و همچنین بهرام و آرمان وجود دارد. چرخه‌هایی که به علت عدم وجود مهارت در توقف و شناسایی آنها طی این سال‌ها تبدیل به بی‌نهایت چرخه ناسالم شده است (شکل ۵).



شکل (۵)- شماتیک چرخه‌ی ارتباطی میان دو نفر از دیدگاه شناختی-رفتاری

در شکل (۶)، مثال‌های مربوط به این چرخه میان شیرین و بهرام ارائه شده است. در هر مثال ابتدا دیالوگ، سپس فکر پشت این حرف، احساس فرد و در پایان رفتاری که در پی آن آمده به ترتیب نوشته شده است. شکل ۶ (الف) چرخه‌ی مربوط به موقعیتی را نشان می‌دهد که آرمان با دوستانش به سفر رفته و شیرین از او بی‌خبر است. شکل ۶ (ب) نیز مثال دیگری از چرخه‌ی ارتباطی ناسالم میان شیرین و بهرام را به تصویر می‌کشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نظریه‌های خانواده‌درمانی به مسائل خانواده از دریچه‌ی مفاهیم مشخصی می‌نگرند، در نتیجه هر نظریه مسیر درمانی خاصی را در پیش می‌گیرد. همانطور که اشاره شد نظریه‌ی بوئن به درهم‌تنیدگی‌های هیجانی در میان اعضای خانواده توجه دارد، در صورتی که نظریه‌ی مینوچین تمرکزش بر ساختار خانواده مانند سلسله‌مراتب و مرزهاست. از دیدگاه نظریه‌ی خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری چرخه‌های ارتباطی میان یک زوج بسیار قابل توجه‌اند چرا که گاهی می‌تواند به طور بی‌پایانی به شکل ناکارامد ادامه داشته باشد. با توجه به فرمول‌بندی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

مشکلات خانواده‌ی حاضر در فیلم زیر سقف دودی، اهداف درمانی که هر یک از رویکردها احتمالا به منظور مرتفع ساختن مشکلات این خانواده پیشنهاد می‌دهد به شرح زیر است.

درمانگری که با رویکرد بوئن به رفع مشکلات خانواده‌ها مشغول است به بهرام و شیرین کمک خواهد کرد تا مسئولیت مشکلات خودشان را بر عهده بگیرند. هم‌چنین، با ارائه‌ی راهنمایی‌هایی سعی در افزایش توانایی این زوج به منظور تفاوت قائل شدن میان احساس و تفکر خواهد داشت و به آن ها کمک خواهد کرد تا مشکلات ارتباطی میان خود را حل‌وفصل کنند. یکی از اهداف دیگر در درمان بوئن مثلث‌زدایی است، یعنی بهرام مثلثی که با رعنا ساخته از بین خواهد برد، و شیرین به مثلث‌سازی‌اش با آرمان خاتمه خواهد داد. درمانگر ساختاری که بر اساس رویکرد مینوچین عمل می‌کند، آن دو را به صحبت درباره‌ی مشکلات زناشویی‌شان تشویق می‌کند. هم‌چنین با نظارت بر اصلاح ساختار این خانواده‌ی سه‌نفری، این درمانگر به آن‌ها قانون‌گذاری در روابط و نیز بازسازی مرزها را آموزش خواهد داد. نظریه‌ی خانواده‌درمانی راهبردی که بر یافتن راه‌حل برای هر مشکل تاکید ویژه‌ای دارد احتمالا با استفاده از فن چهارچوب‌دهی مجدد به شیرین و بهرام کمک می‌کند تا درخواست‌هایشان را بدون فریاد زدن یا نق‌نق کردن بیان کنند و بدین صورت چند گام در جهت بهبود روابط میان این خانواده برخواهد داشت. هم‌چنین کمک خواهد کرد که تفسیر شیرین از بی‌توجهی بهرام، از مهم ندانستن شیرین به ناراحت بودن از اتفاقات گذشته تغییر کند.

درمانگران پیرو رویکرد شناختی-رفتاری به منظور رفع مشکل بهرام و شیرین بر مهارت‌های برقراری ارتباط- توانایی صحبت کردن به ویژه در خصوص مسائل و مشکلات- تاکید خواهند داشت. یکی از بخش‌های فیلم که نشان می‌دهد سال‌هاست تعاملات میان شیرین و بهرام دچار مشکل بوده است زمانی است که شیرین در مورد دوران کودکی آرمان به مشاور می‌گوید *"اوایل احساس می‌کردم بهرام عصبانیه ولی خودش هیچ‌وقت هیچی بهم نگفت"*. هم‌چنین در قسمتی که آرمان به مشاور مراجعه کرده است به او می‌گوید *"توی خونه‌ی ما هیچکس با هیچکس حرف نمیزنه"*، که باز هم بر مخدوش بودن ارتباط و تعامل در این خانواده صحه می‌گذارد. لذا اگر در همان ابتدا بهرام ناراحتی‌اش را با شیرین درمیان می‌گذاشت و یا شیرین عصبانیت بهرام را جدی می‌گرفت و او را دعوت به صحبت می‌کرد، آنگاه مشکلات روی هم انباشته و تبدیل به بحران نمی‌شد. وجود تعارض در خانواده‌ها در زمان‌هایی از زندگی طبیعی است، بنابراین درمانگر شناختی-رفتاری معتقد است یک مهارت حیاتی در حفظ هماهنگی خانواده مهارت حل تعارض است. پس درمان باید در جهت ایجاد بستر مناسب برای برقراری ارتباط میان این زوج پیش برود. به علاوه، درمانگر شیرین و بهرام را از چرخه‌های مشکل‌داری که در این رابطه ساخته‌اند آگاه خواهد کرد تا بار دیگر در دام این چرخه‌ها گرفتار نشوند. امید است این مطالعه قدمی در جهت آموزش کاربردی به دانشجویان روان‌شناسی برداشته و در آینده شاهد پژوهش‌های بیشتری در زمینه‌ی تحلیل فیلم‌های سینمایی بر مبنای نظریه‌های روان‌شناسی باشیم.

منابع

حسینی، مریم، ساسانی، فرهاد، نظردنیوی، سارا (۱۳۹۵). تحلیل نشانه‌شناسی اجتماعی فیلمنامه آژانس شیشه‌ای. *زبان پژوهی*، ۸، ۱۸، ۶۱-۸۴.

راودراد، اعظم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه شناختی فیلم‌های قرمز و دو زن، *ماهنامه فارابی*، ۹، ۴، ۷۵-۶۰.

سینا، خسرو، افشار، حمیدرضا (۱۳۹۴). کارکرد نظریه‌های جامعه‌شناسی در تحلیل فیلم مطالعه موردی: تحلیل فیلم «لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند». *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۳، ۱۷، ۸۱-۱۰۲.

شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۷). نقد روان‌شناختی فیلم دعوت (۱۳۸۷) از دیدگاه نظریهٔ جین شینودا بولن. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۰، ۲، ۱۷۷-۱۹۶.

شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۸). نقد روان‌شناختی شخصیت اصلی زن فیلم رگ خواب (۱۳۹۶) از دیدگاه طرحوارهٔ جفری یانگ. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۱، ۲، ۲۳۳-۲۴۹.

نبوی حصار، جمیله، عارفی، مختار، یوسفی، ناصر (۱۳۹۶). مقایسه اثربخشی خانواده‌درمانی مبتنی بر دیدگاه نظام‌های خانوادگی بوئن و معنادرمانی بر کیفیت زناشویی و میل به طلاق مراجعین خواستار طلاق. *روانشناسی خانواده*، ۴، ۲، ۴۳-۶۰.

نیکلز، مایکل، شوارتز، ریچارد (۱۳۹۵). خانواده‌درمانی مفاهیم و روش‌ها. ویراست هفتم. ترجمه فرزانه نجاریان، کارینه طهماسیان، علی زاده‌محمدی، آناهیتا گنجوی، سمانه رسولی، محسن دهقانی. تهران: انتشارات دانژه.

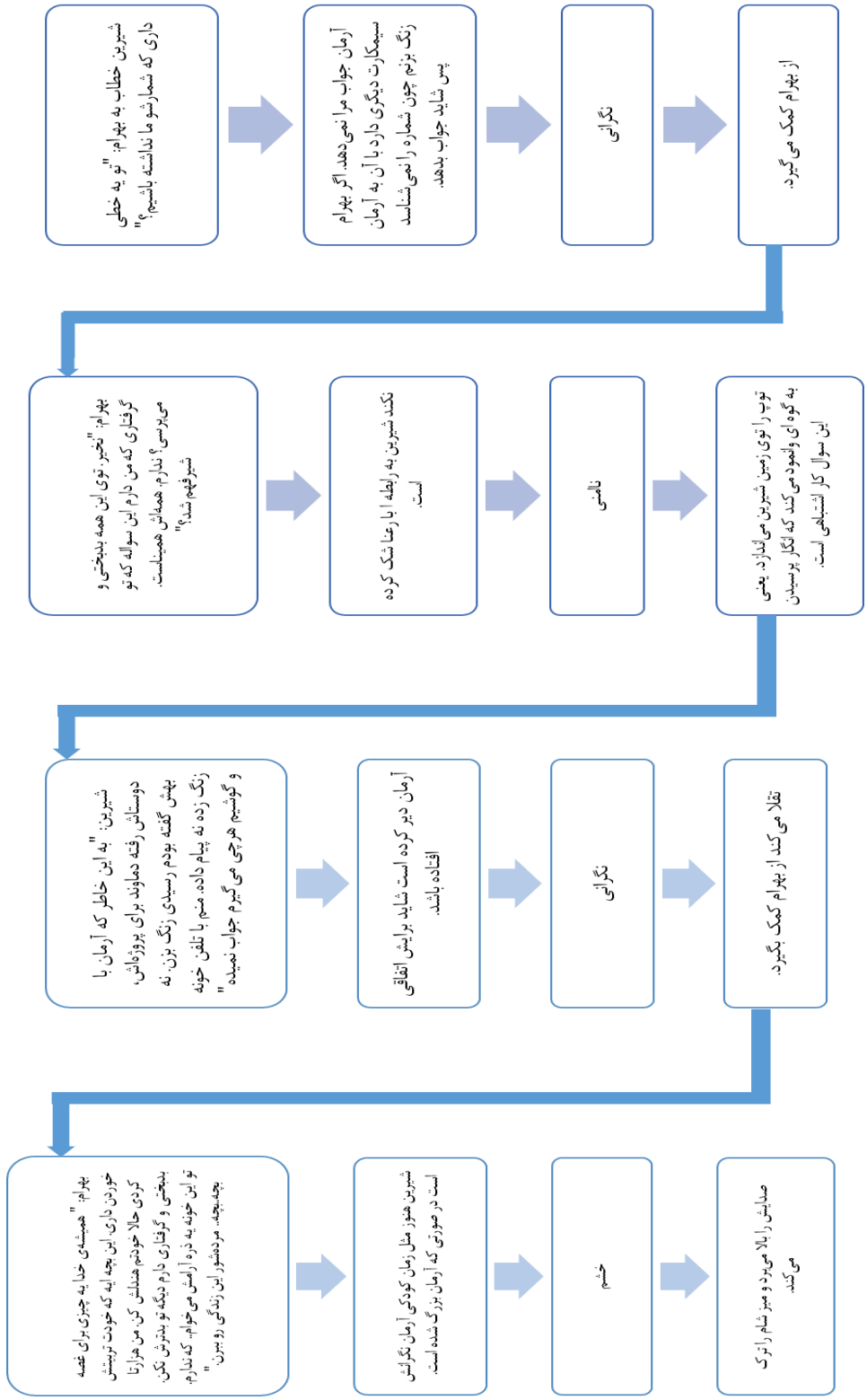
Bowen, M. (1976). Theory in the practice of psychotherapy. *Family therapy: Theory and practice*, 4(1), 2-90.

Carter, B. E., & McGoldrick, M. E. (1988). *The changing family life cycle: A framework for family therapy.* (2nd ed.). Gardner Press.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]

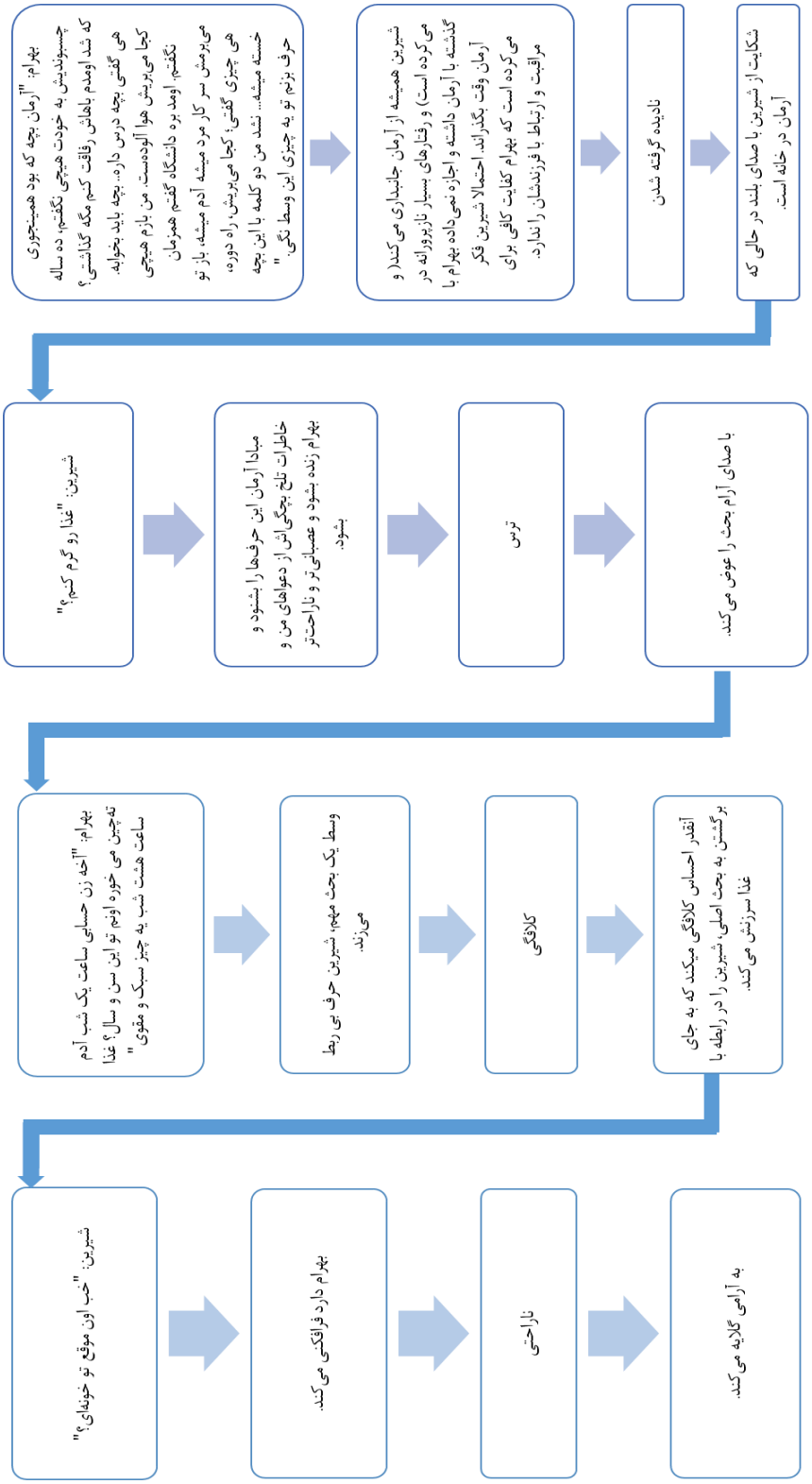
Goldenberg, H., & Goldenberg. I. (2013). *Family Therapy: An Overview*. (8th ed.). Belmont: Brools Cole & Cengage Learning.
Minuchin, S. (1974). *Families and family therapy*. Harvard University Press.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]



(ب)

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]
[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]



شکل ۶ – (الف) و (ب)
مثالی از چرخه‌های ناسالم ارتباطی میان شیرین و بهرام

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.1.1.8]